



(Pyotr Ilyich Tchaikovsky)

(1840-1893)

پیوتر ایلیچ چایکوفسکی:

فرزند یک بازرس معدن بود. در دوران تحصیلات دبیرستانی زبان فرانسه را آموخت و با موسیقی آشنا شد. در نوزده سالگی از یک مدرسه حقوق فارغ‌التحصیل شد و به خدمت دولت درآمد. ولی دوسال بعد در یک انستیتوی موسیقی تازه تأسیس به عنوان دانشجو پذیرفته شد این انستیتو همان بود که بعداً بصورت کنسرواتوار مشهور «سن‌پترزبورگ» درآمد. (پیوتر از کودکی، باهوش و بسیار حساس و شیفته موسیقی بود و در ۲۳ سالگی کار دولتی را رها نمود و به فراگیری موسیقی و آهنگسازی پرداخت و در سال ۱۸۶۶ تحصیلاتش پایان یافت و به او استادی هارمونی ارکستر پیشنهاد شد.) چهار سال بعد از انستیتوی موسیقی فارغ‌التحصیل شد. به خاطر تصنیف یک کانتات بر اساس قصیده «در ثنای شادمانی»، اثر «شیللر» به دریافت مدال نقره توفیق یافت. قصیده شیللر همان بود که بهیرون در مومنان چهارم سمفونی نهم خود از آن استفاده کرده بود. سال بعد در کنسرواتوار مسکو که به مدیریت نیکلا روبینشتاین اداره می‌شد سمت استادی رشته هارمونی به چایکوفسکی محول شد. نیکلا روبینشتاین برادر آنتون روبینشتاین استاد چایکوفسکی در سن‌پترزبورگ بود. چایکوفسکی در اواشط بیست سالگی بود که کاملاً جدی به کار آهنگسازی روی آورد. از نخستین آثار وی، یک سمفونی رویای زمستانی چند اُورتور و قطعاتی برای مجموعه سازهای ارکستر موسیقی مجلسی بود. ولی فقط سال ۱۸۶۹ یعنی در بیست و نه سالگی بود که نخستین نشانه‌های سبک خاص وی در تصنیف یک پوئم سمفونیک تحت عنوان «تقدیر» مشخص شد. (بین سال های ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۵ سمفونی های ۳، ۴ و اپرا و رومئو و ژولیت و یک موسیقی محلی را ساخت و در سال‌های ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۳ با تورهای هنری به اروپا و آمریکا مسافرت کرد و با اجرای کنسرت‌ها و رهبری آنها بر شهرت او افزوده شد. یکی از بهترین آثارش سمفونی ششم است که در سال ۱۸۹۳ آن را ساخت. آثار چایکوفسکی بیش از هر اثر دیگر آهنگسازان روس، در سراسر جهان اجرا می‌شود و از مشهورترین آثار وی می‌توان باله «دریاچه قو»، اپرای «اوزن اونگین» و سه سمفونی آخر و کنسرتوهای ویولن و

پیانو را نام برد. وی را از جمله آهنگسازان روسی می‌شناسند که موسیقی‌اش بازتاب وضعیت اجتماعی روسیه است. او به آثار خود نگرشی عمیق و منتقدانه داشته و بسیاری از آثار اولیه خود را از بین برده است. چایکوفسکی در آثارش از عناصر ملی قهرمانی و مردمی روسیه بهره برده است. در ادبیات و فلسفه، مطالعات بسیار داشته، با چند زبان اروپایی آشنا بوده و تأثیر موسیقی غرب بر آثارش را پذیرا بوده است. موتسارت را بیش از حد ستایش کرده و سمفونی‌های بتهون الگوی بسیاری از آثارش بوده است.

نگاهی عمیق‌تر به زندگی و آثار چایکوفسکی:

شاید اکثر ما بر این باور باشیم که دست سرنوشت موسیقیدان برجسته‌ای همچون پیوتر چایکوفسکی را از ابتدای عمر در مسیر پیشرفت در دنیای موسیقی قرار داده است ولی واقعیت ماجرا چیز دیگری است. در حقیقت معلم پیانوی چایکوفسکی که «رادولف کاندنیگر» نام داشت بیش از هر کسی سعی در متصرف کردن چایکوفسکی از انتخاب دنیای موسیقی به عنوان شغل داشت. شاید این از خوش‌شانسی آیندگان بود که چایکوفسکی هیچ‌گاه نصیحت معلمش را جدی نگرفت. پیوتر ایلچ چایکوفسکی در ۷ مه ۱۸۴۰ در شهر «کامسکو و تنسک» متولد شد. وی دومین فرزند ارشد خانواده هشت نفره‌اش بود. زمانی که فقط شش سال داشت قادر به خواندن زبان‌های فرانسه و آلمانی بود و در هفت سالگی در کنار سرودن شعرهایی به زبان فرانسه، تعلیمات پیانوی خود را آغاز کرد. هشت سال اول زندگی وی در آرامش و سکون نسبی سپری شد تا اینکه در سال ۱۸۴۸ پدر وی که مهندس معدن بود از شغل دولتی خود استعفا داد و آن زمان خانواده وارد برهه سختی از زندگی همراه با نقل مکان‌های دائم شد. در سال ۱۸۵۰ بود که چایکوفسکی در کلاس‌های مدرسه حقوق الهی (فقه) سن پترزبورگ حضور پیدا کرد و در سال ۱۸۵۹ به عنوان کارمند دفتری در وزارت دادگستری مشغول به کار شد. او آموزش‌های موسیقی خود را تحت نظر «نیکلای زارمبا» ادامه داد تا اینکه در سال ۱۸۶۲ هنرستان موسیقی سن پترزبورگ افتتاح شد و وی بلافاصله در آنجا حضور یافت. یک سال بعد چایکوفسکی از وزارت دادگستری استعفا داد تا به صورت تمام وقت در کلاس‌های هنرستان موسیقی حضور یابد. استعداد و اشتیاق فراوان چایکوفسکی توجه مدیر هنرستان، آنتوان رونسثاین را به خود جلب کرد و از این رو وی را مجبور به گذراندن تمام دوره‌های آموزشی حتی دوره رهبری ارکستر کرد. چایکوفسکی همیشه از مواجه شدن با ارکستر _ حتی به عنوان رهبر _ وحشت زده بود و از ترس اینکه مبادا از ترس، سرش پایین بیفتد با دست راست ارکستر را رهبری می‌کرد و دست چپش را زیر چانه‌اش می‌گذاشت تا سرش را بالا نگه دارد. پس از طی چهار سال دوره آموزش، او از هنرستان فارغ التحصیل شد و برای تدریس به هنرستان موسیقی مسکو رفت و آنجا بود که آهنگسازی را آغاز کرد. طی دو سال اول اقامتش در مسکو اولین قطعه سمفونی و اپرای خود به نام «وی‌ودا» (voyevoda) را ساخت. او در سال ۱۸۶۸ موفق به ملاقات گروهی مشهور به نام گروه پنج که متشکل بود از پنج موسیقیدان جوان اهل روسیه به نام‌های «بالاکیرف»، «بورودین»، «جوی»، «ماسورگسکی» و «ریمینسکی» را ملاقات کرد. به رغم احترام و علاقه‌ای که چایکوفسکی برای این گروه قائل بود _ تا حدی که سمفونی دوم خود را در پاسخ به احساسات گرم آنها ساخت _ هرگز به آنها ملحق نشد و پس از مدتی به این نتیجه رسید که اعضای گروه بیشتر تمایلات ایتروناسیونالیستی دارند تا ناسیونالیستی. در خلال سال‌های ۱۸۶۹ تا

۱۸۷۵ او سه آهنگ اپرای دیگر ساخت و به عنوان منتقد موسیقی در موسسه راسکی و دوموستی مشغول به کار شد. در سال ۱۸۷۷ یکی از شاگردانش به نام آنتونیا میلی‌کوا به وی اظهار علاقه کرد و تلویحاً تهدید به خودکشی کرد. چایکفسکی آنچنان غرق در نوشتن اپرای «اوژن اونگین» بود که نمی‌توانست پیشنهاد آنتونیا را رد کند. پس از طی رسومات، این دو به ازدواج هم درآمدند ولی پس از ۹ هفته منحوس از هم جدا شدند. شوک ناشی از این ماجرا به حدی بود که چایکفسکی اقدام به خودکشی کرد و خوشبختانه توسط برادرش نجات یافت. پس از طی دوران نقاهت چایکفسکی برای تمدد اعصاب به سوئیس سفر کرد و پس از مدتی سری هم به ایتالیا زد. چایکفسکی تا زمانی که در قید حیات بود، حمایت مالی خود را از آنتونیا دریغ نکرد و در مقابل آنتونیا روابط عاطفی متعددی را با دیگران برقرار کرد و در نهایت در سال ۱۹۱۷ در یک آسایشگاه روانی درگذشت. در همین سال‌ها بود که مادام نادژدا وان مک، چایکفسکی را تحت پشتیبانی خویش قرار داد و وی را به مدت یک سال از تدریس معاف کرد تا زمان بیشتری برای نوشتن آهنگ و آهنگسازی داشته باشد. این دو هیچ‌گاه یکدیگر را ملاقات نکردند ولی مکاتبات صادقانه فراوانی با یکدیگر داشتند و چایکفسکی سمفونی چهارم خود را در ستایش وی نوشت. چایکفسکی مدت ۱۳ سال با زنی به نام مادام ون مک که بسیار ثروتمند بود مکاتبه داشت که تعداد نامه‌ها به عدد ۳۰۰ می‌رسد. بیوه نامبرده کمک‌های مالی فراوانی به چایکفسکی کرد. تنها پیوند این دوستی عجیب نامه بود. آنها هرگز یکدیگر را ندیدند. در سال ۱۸۹۰ این نامه‌نگاری پایان گرفت و از فرشته نگهبان او خبری به دست نیامد. چایکفسکی بسیار اندوهگین شد. پس از آن چایکفسکی شهرت قابل توجهی در روسیه، آمریکا و حتی انگلستان کسب کرد. در سال ۱۸۸۵ او به خانهای در حومه شهر نقل مکان کرد و در آنجا اثر «مالفرد» را نوشت. سال‌های ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ به عنوان رهبر ارکستر به آلمان، فرانسه و انگلستان سفر کرد. پس از تولید و اجرای قطعه «زیبای خفته» در سال ۱۸۹۰ چایکفسکی برای تکمیل قطعه اپرای «پی‌بی‌پیک» (Queen of spades) به فلورانس سفر کرد. در همین فاصله حمایت‌های مادام وان مک به علت مریضی یا فشارهای وارده از طرف خانواده‌اش قطع شد و با اینکه در آن سال‌ها چایکفسکی دیگر توانایی مالی قابل توجهی به دست آورده بود اما این قطع ارتباط به روحیه وی صدمه‌ای جدی وارد کرد که هیچ‌گاه برطرف نشد. در سال ۱۸۹۱ تور موفقی در آمریکا برپا کرد و در مراسم افتتاحیه تالار موسیقی (که امروزه تالار کارلز نامیده می‌شود) ظاهر شد. در سال ۱۸۹۳ او به دریافت دکترای افتخاری موسیقی از دانشگاه کمبریج نائل آمد. در سال ۱۸۹۳ وی نوشتن سمفونی ششم ناتمام خود را که در سال ۱۸۹۱ آغاز کرده بود تکمیل کرد. اثری که به اعتقاد شخص چایکفسکی بهترین اثرش بوده است. چند روز بعد، در ششم نوامبر ۱۸۹۳ چایکفسکی در اثر ابتلا به وبا درگذشت.

The Seasons

Op. 37

ژانویه

By the Hearth

P. Tchaikovsky (1840-1893)

Moderato semplice ma espressivo

1

p

Red. *

4

p

poco più f

8

11

p

14

poco cresc.

فوره
Carnival

Allegro giusto

2 *f* Ped. * Ped. * Ped. *

6 *ff* *p poco a poco cresc.* Ped. * Ped. * Ped. *

11 Ped. * Ped. * Ped. *

16 Ped. * Ped. * Ped. *

22 *ff* Ped. * Ped. *

Detailed description: This is a piano score for the piece 'Carnival' (Furore) by Ludwig van Beethoven. The score is written in G major and 2/4 time. It consists of five systems of music, each with a grand staff (treble and bass clefs). The first system (measures 2-5) begins with a forte (*f*) dynamic and includes three pedal markings. The second system (measures 6-9) features a fortissimo (*ff*) dynamic and a 'poco a poco crescendo' instruction. The third system (measures 10-13) continues the rhythmic pattern. The fourth system (measures 14-17) shows a steady progression. The fifth system (measures 18-22) concludes with a fortissimo (*ff*) dynamic and includes various fingering and articulation marks.